



عبدالواسع غفاری

بخش ششم

قانون و قانونیت در دوره اولین ریاست جمهوری -

سردار محمد داود

سرطان ۱۳۵۲ الی ثور ۱۳۵۷

سردار محمد داود در سال ۱۲۸۸ هجری شمسی در شهر کابل تولد و تحصیلات را در رشته نظامی به اتمام رسانید، و در پستهای وزارت دفاع و صادرات ایفای وظیفه نمود. اما نسبت اختلافات در فامیل شاهی از پست صادرات مستعفی گردید.

محمد داود شخصیت مردم دوست، وطنپرست و دارای افکار ناسیونالیستی بود. موصوف با درک از جامعه و مردم خویش، علاقه و اراده به ارتقای سطح آگاهی، دانش، زنده گی مردم ورشد، ترقی و پیشرفت وطن تحت نظر و افکار خودش داشت.

احساس وطنپرستی موصوف را او داشت که به خاطر تحقق امیال، آرزوها و حصول قدرت بعد از استعفایش و بخصوص روحیه ماده ۲۴ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ که: اعضای خانواده شاهی که محمد داود نیز جز آن خانواده بود، بر علاوه شمولیت در احزاب سیاسی، در پستهای صادرات، وزارت، شور او عضویت ستره محکمه نمیتوانست ایفای وظیفه نماید، داخل اقدام شود. همان بود که با نظر داشت رشته و شناختی که در اردو داشت کار پیگیر را در بین قوای مسلح شروع نمود. و با ابراز علاقه به افکار چپ، همکاری سازمانهای سیاسی را جلب و زمینه سقوط رژیم شاهی را با کودتای نظامی فراهم نمود، و اولین نظام جمهوری را در افغانستان ایجاد کرد.

محترم نصیرمہرین از قول میرمحمد صدیق فرهنگ درباره محمد داود مینویسد کہ
:«سردار محمد داود از جملہ اشخاصی بود کہ در زندگی ہرگز بہ مقام درجہ دوم راضی
نمیشد، و ترجیح میداد کہ شخص اول در قریہ باشد تا شخص دوم در کشور» درک و برداشت
محمد داود از شرایط عینی و ذہنی جامعہ، ضمن توضیح بہ محترم عبدالحمید مبارز یکی
از مبارزین کشور بعد از رھائی اش از زندان، برایش چنین گفتہ بود کہ : (برادر، شما
در ہر نقطہ افغانستان کہ بروید کسی سخن شما را قبول نمیکند و اگر یک ملا برود، گپ او
را قبول میکنند، بناءً شما اول بگذارید کہ کشور توسعہ اقتصادی بیاید، یک روشنی
در مملکت بیاید، بعد از آن پروگرام تان را روی دست بگیرید.) ، سبب گردید تا بعد تاسیس
نظام جمہوریت سیاست نسبتاً مستبدانہ را اتخاذ نماید، چرا کہ در آن شرایط از یک طرف
اکثریت هموطنانما از نعمت سواد بی بہرہ بودند و از جانب دیگر ملانماہا بخاطر منافع
شخصی و منافع کشورہای کہ آنان را اجیر نمودہ بود، در تلاش شتوشوی مغزی هموطنانما در
جہت تحقق اہداف بیگانہ گان بودند، تا سد راہ ترقی و پیشرفت افغانستان کردند و باتالیغات
مغرضانہ ذہنیت مردم مارا کہ اکثریت شان از نعمت سواد بی بہرہ بودند در برابر دموکراسی
خراب نمودہ، دین و مذہب وسیلہ ابزاری جہت مفتخواری خویش قرار دہند، و بتغیر ذہنیت
اکثریت مردم در جامعہ عقب نگہداشتہ شدہ کشور ما (عنعنہ و سنن قبیلوی، دینی و مذہبی
در جامعہ حاکم بود) دموکراسی بہ انارشی مبدل گردند. و بغاوتہا علیہ رژیم: (اختشاشات در
ولایات و شہرہای مختلف کشور از بدخشان الی پنجشیر، بہ کمک استخبارات پاکستان براہ
انداختند)، گرچہ با شکست مواجہ گردید، اما فضا کشور را مکر ساخت.

چنانچہ محمد داود در نخستین اعلامیہ رادیویی، انگیزہ ہای کودتا و تصمیم جایگزینی نظام
خویش را چنین توضیح داد: «دہ سال پیش یعنی سال ۱۳۴۱ من برای سعادت آیندہ وطن خود
جز قایم ساختن دموکراسی واقعی و معقول کہ اساس آن بر خدمت بہ اکثریت مردم افغانستان
برقرار باشد، راہ دیگری سراغ نداشتم و ندارم... نتیجہ آن شد کہ آن امیدہای دیرینہ و آرزو
ہای نیک بہ دموکراسی قلبی کہ از ابتدا تہداب آن بر عقدہ ہا و منافع شخصی و طبقاتی،
بر تقلب و دسائیس و بردروغ، ریا و مردم فریبی استوار گردیدہ بود، نظام مردم بہ انارشیزم،
و رژیم سلطنت مشروطہ بہ یک رژیم مطلق العنان مبدل شد.»

ہمان بود کہ در اولین اقدام بعد از سرنگونی نظام شاهی، بعضی حقوق و آزادیہای مردم را
محدود ساخت از جملہ قانون اساسی، لغو پارلمان، آزادی بیان، آزادی مطبوعات و برخی
ساختارہای دہہ دموکراسی را بوسیلہ فرامین لغو نمود. مطبوعات غیر دولتی ممنوع شد.
روزنامہ جمہوریت جہت پخش اجراءات، نظریات و اہداف دولت بہ نشرات آغاز کرد.
محمد داود در اوایل تصاحب قدرت با تفاہم ہمکارانش، طرح یک سلسلہ برنامه ہای
اصلاحی در جہت ایجاد تغییرات اساسی در زندگی مردم اقدام نمود. و مردم از تاسیس رژیم
جدید در کشور استقبال و حمایت کردند، و امیدوار بہ پیشرفت و ترقی شدند.

بار دیگر در بارہ سبب و دلیل کودتا چنین گفت: «برادران عزیز! چرا در کشور ما انقلاب شد.
البتہ هیچ چیزی بی سبب و بی دلیل نبودہ، دلایل آن بہ ہر فرد افغان معلوم است کہ عبارت
از فساد اداری و بی عدالتی ہای اجتماعی و دیگر بدبختی ہا بودہ است.»

بر علاوه، محمد داود نظام جمهوری خویش را موافق روحیه حقیقی اسلام یاد نمود. نظام جمهوری در اوایل تعدادی از زندانیان سیاسی آزاد کرد، ترفیعات فوق العاده در اردو، از جمله خرد ضابطان اردوی را به رتبه دریم بریدمن ارتقا داد.

محمد داود در بیانیه معروف خود "خطاب به مردم" پالیسی دولت را در بخشهای مختلف از جمله ضرورت اصلاح معارف یاد کرده و محو بی سوادی را وعده داد. اعمار مکاتب و مؤسسات تعلیمی و بلند بردن سطح تعلیمی و تحصیلی را که جز پلانهای حکومت قبلی بود، عملی کرد. همچنان در زمینه بهتر شدن وضع زنده گی دهاقین و محو فیو دالیزم، اصلاحات ارضی را روی دست گرفته، کارسروی اراضی آغاز گردید. طبق آن زمینداران میتوانستند:

(پنجاه جریب زمین ملکیت خویش را نگهداشته و مازاد آنرا به دولت در بدل پرداخت پول به اقساط، باید تسلیم نماید...) ضمن سایر اقدامات اقتصادی و انکشافی طبق پلانهای 7 ساله، یکی هم اقتصاد رهبری شده و از آن جمله ملی ساختن بانکها و صنایع بزرگ بود که در مواد (۱۳ الی ۱۹) قانون اساسی تسجیل یافته بود. گرچه تعداد از سرمایه داران و زمینداران بزرگ را به تشویش انداخت، اما مردم و طبقه روش فکر کشور از این اقدام نیک محمد داود استقبال نمودند.

کار ارز شمند دیگری این دوره، طرح و تصویب قوانین در عرصه ها مختلف جامعه بود، که در یکصد و پنجاه شماره جریده رسمی شماره های (۲۴۴ الی ۳۹۵)، قوانین، فرامین، لوایح، مقررات، اساسنامه ها و سایر اسناد تقنینی جهت ایجاد حاکمیت قانون در جامعه نشر، و مردم از آن مطلع گردند. از جمله: قانون جزا در سه جلد شامل ۵۲۳ ماده، مدنی در چهار جلد شامل ۲۴۱۶ ماده، قانون مامورین و قوانین تصدیهای دولت، ثبت و احوال نفوس، و ارضی عرایض، اصلاحات ارضی، قانون اساسی، مالیه مترقی، ترانسپورت و ترانزیت بین المللی، ترافیک جاده، پولیس و ژاندارم، کمرکات و ودها قوانین دیگر بود.

قانون اساسی رژیم محمد داود مصوب ۲۵ دلو ۱۳۵۵ که در سیزده فصل شامل ۱۳۸ ماده بود، نظریه قوانین سابق افغانستان بعضی تفاوتها های داشت:

- در فصل اول هدف قانون از ماده اول الی ۱۲ توضیح شده که طبق ماده اول: دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی. و ماده چهارم: **تامین دموکراسی متکی بر عدالت اجتماعی و منافع مردم تسجیل گردیده.** و در ماده هفتم از ایجاد تحولات دوامدار، عمیق و بنیادی اقتصادی و اجتماعی بر اساسات و ارزشهای مندرج این قانون اساسی به منظور منافع اکثریت مردم افغانستان یاد شده.

- در فصل دوم اساسات اقتصادی از مواد ۱۳-۱۹ تسجیل گردیده، طبق ماده ۱۳ منابع از قبیل معادن، جنگلات و انرژی، صنایع بزرگ، مخابرات، تاسیسات مهم ترانسپورت هوایی و زمینی، بنادر، بانکها، بیمه ها، تاسیسات مهم تهیه ارزاق، آثار باستانی جز دارائی ملت و اداره آن به دولت تعلق دارد. همچنان طبق ماده ۱۵ ملکیت و تشبثات خصوصی متکی بر اصل عدم استثمار طبق قانون تعریف شده. و طبق ماده ۱۸ تجارت کشور بشکل تجارت رهبری شده بروی منافع اکثریت مردم، طبق احکام قانون تسجیل یافته بود.

- در فصل سوم که از مواد ۲۰-۲۶ دولت، حاکمیت ملی، زبانهای رسمی، بیرق، قوای مسلح دسیتم اصل مرکزیت را در دولت بیان داشته، دو نکته قابل دقت بیشتر میباشد:

اینکه طبق ماده ۲۱ هدف از ایجاد تفرقه و دامن زدن به اختلافات قومی و ملیتی مطرح نبود: (بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می‌گردد). و نکته دوم اینکه طبق ماده ۲۲: (دین افغانستان، دین مقدس اسلام است)، دولت‌مردان عقیده و افکار پارچه نمودن دین اسلام و برتری یک مذهب بر مذهب دیگر را نداشتند.

- در فصل چهارم قانون حقوق و وجایب اتباع کشور از مواد ۲۷ - ۴۷ طبق پرنسیپ های قبول شده با رعایت بعضی مواد اعلامیه حقوق بشر، آزادی فکرو بیان و عدم تعرض به آن در محدوده قانون تسجیل گردیده، اما ماده ۴۰ این قانون مشعر است که: برای انعکاس خواسته های اجتماعی و تربیت سیاسی مردم افغانستان تا زمانیکه این آرزوها برآورده شود و به رشد طبیعی خود برسد، سیستم یک حزبی در کشور بر رهبری انقلاب ملی که بانی و پیش‌آهنگ انقلاب مردمی ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ مردم افغانستان است برقرار خواهد بود. بانظر داشت عقیده و برداشت محمد داود از جامعه افغانی که در ابتداء توضیح نمودم، روحیه این ماده قانون در تضاد با روحیه اعلامیه حقوق بشر می‌باشد. اما فقره دوم ماده ۳۲ قانون اساسی ۱۳۴۳ ظاهر شاه که اجازه تاسیس جمعیتها و احزاب را طبق قانون به اتباع افغانستان داده شده بود. و بهمین شکل ماده ۴۶ قانون متذکره، یک سلسله وظایف و مکلفیتها را بدوش هموطنانما گذاشته بود، که در مخالفت با آزادی عقیده بود که: پیروی از احکام قانون اساسی، وفاداری به اهداف انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و نظام جمهوری، احترام به رئیس جمهور، اطاعت به قوانین، رعایت نظم و امن عامه، صیانت منافع وطن و اشتراک در حیات ملی و وظیفه تمام مردم افغانستان است. و همین محدودیت در ماده ۴۷ قانون نیز تاکید شده.

- در فصول پنجم و ششم شورای ملی تحت نام ملی جرگه و لویه جرگه از مواد ۴۸ الی ۷۴ توضیح شده است.

- در فصل هفتم رئیس جمهور و صلاحیت‌هایش از مواد ۷۵ الی ۸۷ تسجیل شده است. اما حکم ماده ۷۵ قانون که مشعر است (رئیس جمهور در راس دولت افغانستان قرار داشته وظایف قوه اجرائیه و حزبی را که مطابق احکام این قانون و اساسنامه حزب مستقیماً بعهده دارد توسط اورگانهای مربوطه اداره و رهبری می‌گردد). این ماده قانون دموکراسی را خدشه نموده است که با ماده چهارم این قانون در تضاد می‌باشد.

- در فصول ۸ الی ۱۳ که شامل حکومت و صلاحیت‌هایش، اورگان قضا و صلاحیت‌های آن، حالت اضطرار، تعدیل قانون اساسی و احکام انتقالی از مواد ۸۸ الی ۱۳۸ تسجیل یافته. اما اورگان نظارت کننده قانون در قانون اساسی متذکره معلوم نمیشود. تنها در ماده ۱۰۶ قانون وظیفه تحقیق، تعقیب و اقامه دعوی توسط سارنوالی که جز قوه اجرائیه دانسته شده، تسجیل گردیده بود.

طوری‌که فوقاً متذکر شدم، هدف محمد داود رشد و انکشاف افغانستان و ارتقاع سطح دانش و زنده گی هموطنانش بود، با آنکه بعضی عملکردها موصوف و مواد قانون اساسی در تضاد با آزادیها و بعضی مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر بود، قدمهای مثمر در جهت اعمار کشور، بهبود زنده گی مردم و استقلال کشور برداشت. چنانچه محمد داود جهت رشد و انکشاف ضایع و سایر عرصه های اقتصادی روابط پیشینه را با اتحاد شوروی در همه سطوح گسترش داد. در آن زمان بیشترین داد و ستد اقتصادی، تجاری، نظامی و فرهنگی را داشت. چنانچه داد و ستد تجاری بین دو کشور از سال ۱۹۷۰ الی ۱۹۷۹ به شش برابر افزایش یافت.

چون محمد داود در جهت استقلال فکری خود و وطنش استوار بود، با وجود همه کمک های اقتصادی فوق الذکر اتحاد شوروی، در سفر حمل ۱۳۵۶ به شوروی، ضمن مذاکرات رسمی، نحوه برخورد مداخله گرانه برژنف رهبر شوروی، سبب برافروختگی او شده، و با آزرده گی و بی نتیجه به افغانستان برگشت. و تغییر سیاست در عرصه های داخلی کشور، در قدم اول وزرای وابسته به احزاب چپی را از کابینه بیرون کرد. اما نظامیان فعال در اردو به وظایف خویش ادامه دادند. و سیاست خارجی بانظر داشت اصل بیطرفی، عدم مداخله به امور کشور دیگر، و اراده اعمار افغانستان را داشت، ناگزیر شد تا امید به سایر کشورها نماید، و با نظر داشت نیاز افغانستان و وضع ناهنجار جنگ سرد، که طرفین قیود و شروط بخصوص داشتند، کمک لازم بدست آورد. اقدام شاه ایران و هنری کیسنجر را در زمینه کمک مالی پذیرفت. و تطبیق پلانشها اصلاحی، از جمله اصلاحات ارضی را به تعویق انداخت. کشورهای عربی و ایران و عده کمک و قرضه ها، از جمله و عده دو میلیارد دالری شاه ایران بمنظور تمویل کار پروژه هایکه در نظر داشت، و پاسخ مثبت دریافت قرضه از بانک انکشاف آسیایی و بانک جهانی، محمد داود را در تطبیق اهدافش مغرور تر ساخت. و جهت تحقق اهداف خویش، تصمیم به تاسیس حزب غورزنگ ملی به رهبری خودش گرفت. با دایر نمودن لویه جرگه سال، تصویب قانون اساسی جدید، انتخابش به مقام ریاست جمهوری، نیات و گام اصلی خود را برای زمامداری در افغانستان تحقق بخشید و آن حالت فوق العاده حکومت نظامی را بعد از سه سال پایان داد.

پیرامون جمهوریت و شخص محمد داود، صاحب نظران برداشتهای مختلف دارند، بعضی ها معتقد اند که در عملکرد محمد داود "استبداد منور" بملاحظه میرسد. به این دلیل، با وجود اینکه او شخص مستبد و دیکتاتوری بود، مگر برای ترقی افغانستان می اندیشید و بر مبنای این اصل او به سایر اشخاص به دلیل عقب ماندگی اجتماعی موقع مداخله و انتقاد در امور حکومت را نمیداد. لذا شیوه کار و وطنپرستانه او در تعمیم و تحقق بخشی از اصلاحات قابل ستایش می باشد. چنانچه جناب عبدالصمد غوث در کتاب سقوط سلطنت درباره شخصیت و عملکرد های سردار محمد داود در جهت منافع مردم و انکشاف افغانستان به صورت دقیق و همه جانبه تحریر داشته است.

با احترام عبدالواسع غفاری

<http://www.hoqooq.eu>